

بررسی فقهی و حقوقی قتل با فعل غیرمادی (غیراصابتی)

عبدالمیر نیسی*
فرج‌الله براتی**
سیدجاسم پژوهنده***

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

چکیده

رفتار بر دو قسم است: فعل و ترک فعل. فعل نیز به فعل مادی و فعل غیرمادی منقسم می‌شود. گاهی عمل ارتكابی بدون اصابت بر تمامیت جسمانی فرد، با ایجاد ترس، هراس، وحشت، اضطراب و تأثیرگذاری بر سیستم روانی و عصبی وی، موجب مرگ یا ورود صدمه به او می‌گردد. مانند فریاد کشیدن، خبر ناگوار دادن و... که آن را فعل غیراصابتی می‌گویند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر فعل غیراصابتی موجب مرگ یا صدمه جسمانی مانند ایست قلبی شود آیا می‌توان مسبب جنایت را قاتل دانست و آن را مجازات کرد؟ مشهور فقهای امامیه قتل با افعال غیرمادی (غیراصابتی) را در صورت عمدی بودن، مجازات آن را قصاص می‌دانند. بر اساس آنچه در مواد ۴۹۹ و ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است ارتکاب قتل با افعال غیرمادی همانند افعال مادی مورد پذیرش قانونگذار بوده و در صورت ارتکاب قتل مرتکب بر حسب مورد به مجازات محکوم خواهد شد. باید توجه کرد که برای تحقق مسئولیت کیفری، احراز «قابلیت انتساب» نتیجه مجرمانه (قتل) به مرتکب (قاتل) امری ضروری است و باید بتوان «عمل کشنده» را به قاتل نسبت داد و منظور از «عمل کشنده»، عملی است که بتواند حیات دیگری را سلب کند، هر چند به‌طور نادر.

واژگان کلیدی: فعل غیرمادی، قتل، رفتار غیراصابتی، فعل معنوی، افعال نفسانی.

۲۷۱

حقوق اسلامی / سال هفدهم / شماره ۶۷ / زمستان ۱۳۹۹

* گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (neisyamir@yahoo.com).

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران / نویسنده مسئول (farajolah.barati@yahoo.com).

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (pazhuhandeh@yahoo.com).

مقدمه

تأثیر افعال غیرمادی در قتل برای اولین بار توسط قانونگذار بعد از انقلاب اسلامی وارد مقررات جزایی کشورمان شد.

هر جرمی باید سه عنصر قانونی، مادی و روانی داشته باشد و عنصر مادی جرم نیز از اجزای مختلفی تشکیل شده است: ۱. رفتار مجرمانه مانند: سم دادن، چاقوزدن، تیراندازی کردن، گفتار، نوشته و نظایر آنها؛ ۲. مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی که مقنن وجود یا فقدان آنها را برای تحقق جرم ضروری دانسته است؛ ۳. وقوع نتیجه؛ ۴. رابطه علّیت یا سببیت.

با علم به اهمیت رفتار مجرمانه به عنوان جوهر رکن مادی جرم که بدون آن، هیچ پدیده‌ای، جرم به شمار نخواهد آمد (نجیب حسنی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۶). رفتار مجرمانه به دو شکل فعل و ترک فعل قابل تحقق است و خود فعل که دارای آثار حقوقی و عملی است به فعل مادی و غیرمادی منقسم می‌شود و باتوجه به تفاوت در ماهیت، نتایج و طریقه اثبات که گاه به تحقق قتل عمد یا غیرعمد منجر می‌شود بررسی آن ضروری است. اینکه چگونه می‌توان فعلی را مادی یا غیرمادی دانست؟ و چه چیزی نوع فعل را مشخص می‌کند؟ همچنین آیا می‌توان افعال منجر به صدمات معنوی را صالح برای تحقق قتل دانست؟ ضمناً باتوجه به پیشرفت روزافزون علوم خصوصاً در فضاهاى مجازى به بررسی قتل با افعال غیرمادی در فضای مجازی خواهیم پرداخت. با التفات به اینکه بحث از نوع فعل، بحثی در ماهیت آن و بحث از نحوه فعل، بحثی در شکل ارتکاب است ما در این مقاله ضمن پاسخ به سؤالات فوق به بررسی نوع فعل ارتكابی در قتل باتکیه بر فعل غیرمادی و تبیین فعل غیرمادی از دیدگاه فقها و حقوقدانان و قوانین عرفی می‌پردازیم. رفتار مجرمانه مرتکب جنایت به دو شکل فعل و ترک فعل قابل تحقق است.

۱. فعل

برخی حقوقدانان کیفی در تألیفات خود در مورد فعل، چنین نوشته‌اند: عبارت‌ها و جمله‌های انجام کاری، عمداً کاری را انجام دهد، قصد رفتاری را داشته و امثال آنها، بیشتر بر مبنای فعل یعنی حرکات عضلانی که نمود خارجی دارد قابل درک است (آقایی نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۳).

یکی از حقوقدانان مصری، معتقد است که:

فعل، رفتاری انسانی است که در شرایط ویژه‌ای انجام شده و به دیگر سخن، رفتار شخص در برابر شرایط معین است و یکی از عناصر رکن مادی جرم می‌باشد. هنگامی که وجود پیوند سببی میان آن و نتیجه ثابت شود، سبب نتیجه شمرده می‌شود (نجیب حسنی، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

ایشان در ادامه می‌گویند:

فعل به‌عنوان رفتاری ارادی از دو عنصر تشکیل شده: نخست، حرکت بدنی، جسمی و مادی؛ یعنی جانی باید یکی از اعضای خود را برای ایجاد اثر در بیرون، به حرکت درآورد. دوم، ارادی بودن این حرکت؛ یعنی حرکت و فعل مرتکب بایستی از روی اراده و عمدی باشد (همان).

ارتکاب جنایت به‌وسیله فعل (رفتار مجرمانه مثبت) به دو شکل قابل تحقق است یکی به شکل مادی (اصابتی) مانند: واردکردن آسیب (اعم از ضرب، جرح و شکستگی) به عضو دیگری با آثار ملموس و مادی و دیگری به شکل غیرمادی که بدون اصابت بر تمامیت جسمانی طرف، باعث مرگ یا ازکارافتادن عضو یا زوال منافی شود.

از مجموع مطالب ارائه شده در مورد «فعل» می‌توان دریافت که علاوه بر نوع صدمه، برخورد یا عدم برخورد به جسم مجنی‌علیه نیز در تعریفات حقوقدانان لحاظ شده است.

باتوجه به تعریف فعل به‌معنای حرکتی جسمی و ارادی که تجلی خارجی دارد باید گفت که «حرکت جسمی همیشه به‌معنای حرکت اندامی نیست و چه‌بسا زبان و به پیروی آن، گفتار به تنهایی حرکتی جسمی باشد» (همان) این تعریف ناظر به ماهیت فعل است و چنانچه بخواهیم رفتار مرتکب را جدای از نتیجه بررسی کنیم افعالی مانند ترساندن، شمشیر کشیدن، خفه کردن و چاپ اعلامیه دروغین فوت فرزند دیگری، صرف‌نظر از اینکه مرگ واقع شده به وسیله آنان در اثر صدمه مادی یا معنوی باشد، همگی فعل مادی محسوب خواهند شد. زیرا شمشیر کشیدن، داد زدن، خفه کردن، ترساندن و یادادن خیر دروغ و نیز چاپ اعلامیه، همگی مادی و محسوس می‌باشند، هرچند برخی به جسم مجنی‌علیه اصابت کرده و برخی بدون اصابت با جسم، موجب مرگ او شوند. در این مجال قصد داریم افعال مادی و غیرمادی را بر اساس اصابت یا عدم اصابت به جسم قربانی بررسی کنیم.

۱-۱. فعل مادی (اصابتی)

فعل مادی به‌عنوان یکی از اجزاء عنصر مادی قتل، عبارت است از: «رفتاری که اثر خارجی محسوس بر جسم قربانی دارد» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸) از قبیل بمب انداختن، تسمیم،

تحریق، زدن با آهن یا چاقو، قطع کردن، خفه کردن و شلیک با گلوله، پرتاب کردن، تغریق و... است.

از فعل مادی به فعل اصابتی تعبیر شده است و در این زمینه یکی از حقوقدانان می‌گوید: منظور [از فعل مادی] فعلی است که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم یا با وسیله یا بدون وسیله منتهی به صدمه ملموس به اعضا گردد. این آسیب‌ها اعم از جرح، شکستگی و ضرب است که می‌تواند به صدمه بر منافع و یا حواس نیز منتهی گردد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۳).

اغلب قتل‌های عمدی واقع شده به‌صورت فعل مادی تحقق می‌یابد مثل کتک زدن، بدین معنا که مرتکب، کسی را کتک می‌زند و به کتک زدن آن‌قدر ادامه می‌دهد تا مضراب به قتل برسد، یا گلولی مجنی‌علیه را گرفته و آنقدر فشار می‌دهد تا بمیرد یا غذای مسمومی به خورد مجنی‌علیه بدهد یا با شلیک گلوله، جان مجنی‌علیه را گرفته و به قتل برساند.

فعل مادی ممکن است کُشنده باشد مانند شلیک گلوله به طرف مجنی‌علیه یا فرودادن کارد به قلب مجنی‌علیه، و امکان دارد کُشنده نباشد، ولی به‌دلیل حساس بودن موضع اصابت منجر به مرگ مجنی‌علیه شود مانند اینکه جانی یک ضربه به شقیقه مجنی‌علیه وارد کرده و او را به قتل برساند. همچنین ممکن است جانی عملیات مثبت مادی را به تنهایی و مستقیماً مرتکب شود که قتل به مباشرت نامیده می‌شود. مانند اینکه جانی گلولی مجنی‌علیه را فشار داده او را خفه کند یا اینکه ممکن است بالتسبیب باشد مانند اینکه شخص در مسیر دیگری و به‌قصد قتل او چاهی حفر نماید و او هم در آن بیفتد و بمیرد.

همچنین ممکن است جانی عملیات مثبت را با همکاری و مشارکت یک یا چند نفر دیگر انجام دهد.

۱-۲. فعل غیر مادی (غیر اصابتی)

فعل غیر مادی (غیر اصابتی) یعنی اینکه گاهی وقت‌ها، رفتاری بدون وسیله و واسطه از مرتکب جنایت انجام می‌شود که به‌خودی‌خود متضمن هیچ‌گونه آثاری نیست یعنی آن میزان از فعل که به تمامیت جسمانی یا منفعت یا حس مجنی‌علیه به‌طور مستقیم صدمه وارد نمی‌کند ولی پیامدهای آن منتهی به آسیب می‌شود. کنش‌هایی که بدون اصابت بر تمامیت جسمانی طرف، منتهی به مرگ یا آسیب‌های بدنی، منفعتی یا حسی می‌گردد. در مرگ یا ازکارافتادن عضو و یا زوال منافع ناشی از

چنین رفتارهایی، به طور معمول نمی توان نقطه آسیب و یا آثار مادی آن را به دلیل عدم اصابت فعل بر موضع طرف تعیین نمود (همان، ص ۴۳-۴۴).

یکی از حقوقدانان از این افعال به «فعل معنوی» تعبیر کردند (پوربافرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۱) ایشان در تعریف فعل معنوی می گوید: «فعل معنوی فعلی است که بدون تماس جسمی جانی با مجنی علیه واقع شده و اثری بر روی جسم مجنی علیه باقی نگذارد» (همان) گروهی از حقوق دانان، این افعال را «رفتار غیراصابتی» دانسته اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۶۱/ آقایی نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۴) حقوقدان دیگری از فعل غیرمادی به «افعال نفسانی» یاد کرده است (صادقی، ۱۳۸۷، ص ۶۹) ضمن اینکه برخی حقوقدانان، صدمات معنوی را برای تحقق قتل عمدی صالح ندانسته اند (آزمایش، ۱۳۷۵، ص ۱۳۸-۱۳۹/ پاد، ۱۳۸۵، ص ۳۹/ گلدوزیان، ۱۳۸۳، ص ۶۲).

در فعل غیرمادی، مرتکب با انجام فعلی، بدون اینکه اثری بر اندام فرد باقی گذارد نظیر ترساندن، هراساندن، ایجاد وحشت، اضطراب و هیجان شدید و مانند آن، موجب بروز فعل و انفعالاتی در دستگاه عصبی و روانی قربانی و نهایتاً مرگ وی می شود. در حقیقت در اثر فعل مرتکب بر سیستم روانی و عصبی مجنی علیه آسیب وارد آمده و در اثر همین آسیب او فوت می کند؛ مانند ترساندن فردی در تاریکی و فوت او در اثر ترس، چاپ اعلامیه دروغین فوت فرزند کسی و مرگ او.

به عبارت دیگر فعل غیرمادی (غیراصابتی) فعلی است که بدون اصابت فیزیکی با جسم مجنی علیه واقع می شود و اثری بر روی جسم مجنی علیه باقی نمی گذارد مانند اینکه شخصی برای به قتل رساندن خانمی آگهی مجلس ترحیمی در مورد تنها فرزندش چاپ کرده و به هنگام مراجعت او از سفر نسبتاً طولانی آن را جلو درب منزلش الصاق نماید و خانم با دیدن این آگهی که عکس فرزندش هم روی آن چاپ شده است بمیرد.

رفتارهای غیراصابتی ممکن است به صدمات مادی (ضرب و جرح) منجر شود مانند آنکه مرتکب در طبقات فوقانی، مجنی علیه را بترساند و در اثر این ترس، وی به پایین پرتاب شده و با برخورد با زمین، بمیرد که با وجود غیراصابتی بودن فعل ارتكابی، صدمه وارد مادی بوده و بر جسم قربانی اثر مادی و ملموس بر جای می گذارد. مطابق ماده ۴۹۹ ق.م.ا.ا: «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی

مسئول است»؛ زیرا در این حالت، رفتار مرتکب، ترساندن است که عملی مادی و غیراصابتی می‌باشد و این عمل، موجب صدمه مادی بر جسم قربانی بر اثر پرتاب کردن می‌شود. از مجموع مطالب ارائه شده فوق (فعل مادی و فعل غیرمادی) نگارنده معتقد است اگر مادی یا غیرمادی بودن فعل ناظر به برخورد به جسم مجنی علیه و نوع صدمه وارده باشد. این دو معیار نمی‌توانند معیار تمیز افعال مادی از غیرمادی شوند. زیرا لزوماً نمی‌توان پذیرفت که فعل اصابتی، نتیجه مادی و فعل غیراصابتی، نتیجه معنوی خواهد بود بلکه چه بسا فعل، اصابتی باشد؛ درحالی که صدمه منتهی به جنایت، غیرمادی و بدون ایراد ضایعه جسمی است (مانند پرتاب مجنی علیه از ارتفاع و مرگ وی در اثر ترس از اصابت به زمین) و نیز چه بسا فعل، غیراصابتی باشد درحالی که صدمه مادی موجب مرگ مجنی علیه گردد (مانند ترساندن مجنی علیه و زمین خوردن و مرگ وی در اثر برخورد با زمین).

۱-۲-۱. قتل با فعل غیرمادی (غیراصابتی) در فقه امامیه

فقها، موارد مختلفی از مصادیق وقوع قتل با افعال غیرمادی را در باب «موجبات ضمان» و مباحث دیگر مطرح کرده‌اند. از قبیل فریاد زدن بر دیگری منجر به موت و کشیدن سلاح به روی دیگری که هراس از آن منتهی به مرگ می‌شود و قتل به سبب سحر. در فقه امامیه مسئله قتل با فعل غیرمادی کاملاً پذیرفته شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۳۲ / شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۱۴ / فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۵۰ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۵۷ / خمینی، [بی تا]، ج ۴، ص ۳۶۴ / حسینی عاملی، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۲۷۸-۲۷۹). صاحب جواهر در شرح عبارت «من صاح ببالغ فمات» می‌نویسد:

۱. من صاح ببالغ فمات فلا دية أما لو كان مريضاً أو مجنوناً أو طفلاً أو اغتفل البالغ الكامل و فاجأه بالصيحة لزمه الضمان.
۲. و الصائح بالطفل، أو المجنون، أو المريض مطلقاً أو الصحيح على حين غفلة يضمن في ماله أيضاً، لأنه خطأ مقصود.
۳. أما لو كان بالغاً مريضاً أو مجنوناً أو اغتفله و فاجأه بالصيحة و إن كان بالغاً كاملاً فمات أو زال عقله ضمن الدية في ماله.
۴. من صاح ببالغ غيرغافل فمات أو سقط فمات فلا دية ... نعم لو قامت قرائن على استناد الموت إلى ذلك ... اتجه حينئذ الضمان.
۵. مسألة ۱۰: من صاح ببالغ غيرغافل فمات أو سقط فمات فلا دية إلا مع العلم باستناد الموت إليه، فحينئذ إن كان قاصداً لقتله فهو عمد يقتض منه، و إلا شبيه عمد فالدية من ماله، فلو صاح طفل أو مريض أو جبان أو غافل فمات فالظاهر ثبوت الدية إلا أن يثبت عدم الاستناد، فمع قصد القتل بفعله فهو عمد.
۶. و لو صاح بصي فارتعد و سقط من سطح ضمن الدية و في القصاص نظر و لو مات من الصيحة أو زال عقله ضمن الدية.

چنانچه قرآنی دال بر استناد مرگ به فریاد اقامه شود - به گونه ای که مفید علم به وجود رابطه سببیت باشد - در این حال واضح است که ضمان به جنایت ارتكابی تعلق خواهد گرفت بلکه گاهی در صورت وجود قصد قتل، قصاص نیز تعلق خواهد گرفت (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۵۷).^۱

همچنین در شرح جملة «اما لو كان مريضاً أو مجنوناً أو طفلاً أو اغتفل البالغ الكامل و فاجأه بالصيحة لزمه الضمان» می نویسد:

همان گونه که علامه حلی و فرزندش فخر المحققین حلی و شهید اول و شهید ثانی و دیگران بدین امر تصریح کرده اند؛ بلکه ظاهراً چنانچه این رفتار با اراده قتل توأم بوده و به گونه ای باشد که به ندرت موجب مرگ می گردد مستوجب قصاص خواهد بود بلکه چنانچه اراده قتل وجود نداشته ولی رفتار، غالباً کشنده باشد جنایت ارتكابی، مستوجب قصاص خواهد بود (همان).

بنابراین می توان گفت که به نظر صاحب جواهر، رفتارهای با اثر غیرمادی بر روی جسم تفاوتی با رفتارهای دیگر نداشته و در صورت احراز رابطه علیت و سببیت، موجب ضمان و قصاص خواهند بود. در غیر این صورت، ضمان منتفی است.

الف) قتل به سبب فریاد زدن: در این مورد فقهای امامیه اختلاف نظر دارند، عده ای معتقدند چنانچه مقتول، بیمار، صغیر، غافل یا مجنون باشد ضمان دارد لیکن در مورد مقتول بالغ و عاقل، قائل به عدم ضمان هستند اما گروهی دیگر علی الاطلاق قائل به ضمان هستند.

محقق حلی در شرائع الإسلام در این زمینه بیان می دارد هرکس به روی شخص بالغی فریاد بزند و آن شخص بمیرد در این دیه ای نیست؛ اما اگر آن شخص بیمار یا دیوانه یا طفل باشد یا بالغ اما غافل و بی خبر بوده باشد و ناگهانی بر سر او فریاد بزند ضمان لازم می شود؛ (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۳۲)^۲ زیرا سبب تلف شدن بر حسب ظاهر فریاد زدن می باشد.

شهید ثانی به نحو کامل تری در این زمینه می فرماید: فریاد کشیدن مانند کارهای دیگر انسان است و درباره آن هم باید به قواعد مقرر مراجعه کرد. حال اگر این فریاد بر سر شخص بالغ و آگاهی باشد، پس عادتاً در کشتن او بی تأثیر است و اگر اتفاقاً مرگ رخ دهد مرگی است اتفاقی و مسئولیت و ضمانتی ندارد، مگر اینکه به وجه عارضی استناد موت به فریاد معلوم باشد که در این صورت خود

۱. من صاح ببالغ غیر غافل فمات أو سقط فمات فلا دية... نعم لو قامت قرآن علی استناد الموت إلى ذلك علی وجه تفید العلم، اتجه حينئذ الضمان، كما هو واضح. بل قد يتجه فيه القصاص مع قصد القتل به، و إن لم يكن مما يقتل غالباً، بناء عليه في مثله، كما تقدم تحقیقه سابقاً.

۲. من صاح ببالغ فمات فلا دية أما لو كان مريضاً أو مجنوناً أو طفلاً أو اغتفل البالغ الكامل و فاجأه بالصيحة لزمه الضمان.

ضامن دیه است ولی فریادکشیدن بر سر کودک، دیوانه، بیمار یا شخص سالم به ناگهان، غالباً و در بیشتر موارد از موجبات ضمان است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۳۲).^۱

امام خمینی هم نظری نزدیک به نظر شهید ثانی دارد. در تحریرالوسیله آمده است:

اگر فریاد زنده بر بالغ غیرغافل و او بمیرد یا از جایی بیفتد و بمیرد ضمانی وجود ندارد مگر اینکه علم به استناد مرگ به فریاد وجود داشته باشد در این صورت اگر فریاد زنده قصد قتل او را داشته قتل عمدی محقق است و قصاص می‌شود در غیراین صورت قتل واقع شده، شبه عمد بوده و فریاد زنده بایستی دیه پردازد. اگر بر بچه یا مریض یا ترسو فریاد بکشد و بمیرد دیه ثابت است مگر اینکه ثابت شود که مستند به او نیست و اگر با فعلش قصد قتل داشته باشد عمد محسوب می‌شود (خمینی، [بی تا]، ج ۴، ص ۳۶۵).^۲

برخلاف عقاید فوق، برخی از فقها مانند آیت‌الله خوئی با فرض تأثیر فریادکشیدن جانی در وقوع قتل و بدون اشاره به وضعیت مجنی علیه و درهرحال، در صورت اثبات رابطه استناد، حکم به ضمان مرتکب صادر نموده‌اند و چنین رأی داده‌اند:

اگر کسی فریاد بزنده بر دیگری و او بمیرد، چنانچه قصد چنین کاری (قصد مرگ) را داشته یا اینکه فریاد زدن در محلی رخ داده که عادتاً موجب مرگ می‌گردد و فریاد زنده هم علم به این کار (کشنده بودن عمل) داشته باشد بر او قصاص است و در غیراین صورت باید دیه بدهد (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۸۱).^۳

فقها در مورد فریاد زدن، ماهیتاً اختلافی با هم نداشته و اختلاف آنها، تنها در

مورد اثبات رابطه استناد بین ترساندن و مرگ مجنی علیه است.

در بعضی موارد فعل غیرمادی با ایجاد چند واسطه، علت جنایت را فراهم می‌سازد مانند آنکه دیگری را چنان بترساند که وی برای نجات خود اقدام به فرار نموده و در حین گریز به موانعی

۱. الصیاح کفیره من الأفعال الصادرة عن الإنسان يرجع فيها إلى القواعد المقررة، فإن كان ببالغ لا على حين غفلة منه فليس له له أثر عادة في القتل، فإن اتفق معه فلا ضمان به، بل هو موت اتفاقي كما يشهد به الوجدان، إلا أن يعلم استناده إليه بوجه من الوجوه العارضة، فتلزمه الدية في ماله، لأنه شبيه عمد. و أما الصیاح بالصبي والمجنون والمريض أو الصحيح على حين غفلة فإنه من أسباب الضرر غالباً.

۲. مسألة ۱۰: من صاح ببالغ غير غافل فمات أو سقط فمات فلا دية إلا مع العلم باستناد الموت إليه، فحينئذ إن كان قاصدا لقتله فهو عمد يقتص منه، وإلا شبيه عمد فالدية من ماله، فلو صاح طفل أو مريض أو جبان أو غافل فمات فالظاهر ثبوت الدية إلا أن يثبت عدم الاستناد، فمع قصد القتل بفعله فهو عمد.

۳. مسألة ۲۳۲: من صاح على أحد فمات، فإن كان قصد ذلك أو كانت الصيحة في محل يترتب عليها الموت عادةً و كان الصائح يعلم بذلك فعليه القود، وإلا فعليه الدية.

برخورد کرده منتهی به مرگ او شود.

در این زمینه امام خمینی می‌فرماید:

اگر اراده و اختیار مقتول به سبب اخافه زایل شود جنایت قتل مستند به فعل ترساننده خواهد بود و در غیراین صورت اگر اخافه فقط سبب فرار و گریز را فراهم کرده و زوال اراده مقتول را در پی نداشته باشد جنایت واقعه ناشی از فعل شخص مقتول قلمداد می‌گردد (خمینی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۶۵).^۱

باتوجه به مجموع آراء فقها، سن، حالت روحی و جسمی مجنی‌علیه در ثبوت ضمان مؤثر نبوده بلکه به مجرد حصول رابطه علیت عامل به عنوان مرتکب قتل تحت پیگرد قرار می‌گیرد. بنابراین اگر کسی زن بارداری را به منظور سقط جنین وی بترساند، در صورت احراز رابطه میان ترساندن و سقط جنین، ترساننده باید دیه جنین را بدهد (مطابق ماده ۷۱۶ ق.م.ا.).

فقها از فعل غیرمادی، در حالت ترساندن شخصی توسط دیگری با فریاد زدن بحث کرده‌اند و قانونگذار به پیروی از فقها اقدام به وضع ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی نموده است که به موجب آن: «هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد مانند فریادکشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می‌شود».

با دقت در این ماده، مرگ یا صدمه مندرج در آن، در اثر فعل غیراصابتی است؛ زیرا قانونگذار پس از طرح مسئله مقرر داشته «بر اثر این ارباب، شخص بمیرد» که ظهور در صدمه معنوی مجنی‌علیه و وقوع مرگ در اثر این نوع صدمه دارد. موارد مذکور در ماده با توجه به اصطلاح «...» یا هر کار دیگری «...» تمثیلی بوده و هر نوع صدمه معنوی دیگر مانند هراسیدن، چاپ اعلامیه فوت دروغین و دادن خبر غمناک به دیگری را نیز در برمی‌گیرد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۴ / میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۶۴ / پوربافرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

طبق ماده ۵۰۱ ق.م.ا. یک عمل غیرمادی که باعث وحشت و هراس مقتول می‌گردد و در نهایت موجب مرگ او می‌شود قتل عمد محسوب می‌شود.

۱. مسألة ۱۱: لو أخافه فهرب فأوقع نفسه من شاق أو في بئر فمات فان زال عقله و اختاره بواسطة الإخافة فالظاهر ضمان المخيف، و إلا فلا ضمان، و لو صادفه في هربه سبع فقتله فلا ضمان.

نگارنده معتقد است که سلب حیات با هر وسیله اعم از مادی یا امور غیرمادی محسوس و یا نامحسوس، قتل خواهد بود؛ زیرا که تعریف قتل شامل تمامی این موارد می‌شود.

ب) قتل با کشیدن سلاح بدون به‌کارگیری آن: از موارد دیگری که فقها در زمینه ارتکاب قتل به وسیله افعال غیرمادی مورد توجه قرار داده‌اند، موردی است که کسی بر روی دیگری سلاح بکشد (بدون به‌کارگیری آن) که فرد در اثر ترس و هراس ناشی از این امر فوت نماید. در این رابطه نیز فقها همانند فریادکشیدن دو دسته‌اند که برخی به نحو اطلاق قائل به ضمان شده (خوبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۲) و برخی دیگر قائل به تفصیل شده و در مواردی این مورد را موجب ضمان می‌دانند که شخص مقتول، صغیر، غافل، مجنون و بیمار بوده باشد و در مورد مقتول بالغ و عاقل، اصل را بر عدم ضمان دانسته‌اند (محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۳۲) در واقع فقها، همان مطالب فریادکشیدن بر روی دیگری را به همان کیفیت در مورد کشیدن سلاح بدون به‌کارگیری آن تکرار کرده‌اند.

ج) قتل به سبب سحر: در فقه امامیه در مورد حقیقت یا عدم حقیقت سحر، به‌عنوان یکی از مصادیق فعل معنوی، نظرات مختلفی داده شده است.

در مورد قتل به سبب سحر، محقق حلّی در کتاب شرائع الإسلام می‌گوید: شیخ طوسی در کتاب الخلاف می‌فرماید: سحر و جادوگری را حقیقتی نیست ولی برخی از اخبار دلالت دارد بر اینکه آن حقیقتی است. آنچه شیخ گفته شاید نزدیک باشد، لکن با گذاشتن بر احتمال، نزدیک‌تر است؛ بنابراین اگر شخصی کسی را جادو کند و او بمیرد بنا بر نظر شیخ طوسی نه قصاص دارد نه دیه همین‌طور است اگر اقرار کند که او را با جادوگری کشته است و بنا بر احتمالی که ما گفتیم او ملزم به اقرار خود است. در اخبار آمده است که جادوگر کشته می‌شود. شیخ طوسی در کتاب الخلاف گفته است که این اخبار حمل می‌شود بر کشتن او به‌عنوان حد فساد نه قصاص (محقق حلّی،

۱. مسألة ۲۳۲: من صاح علی أحد فمات، فإن كان قصد ذلك أو كانت الصيحة في محلّ يترتب عليها الموت عادةً و كان الصائح يعلم بذلك فعليه القود، و إلا فعليه الدية. هذا فيما إذا علم استناد الموت إلى الصيحة، و إلا فلا شيء عليه و مثل ذلك ما لو شهر سلاحه في وجه إنسان فمات.

۲. لو كان مريضاً أو مجنوناً أو طفلاً أو اغتفل البالغ الكامل و فاجأه بالصيحة لزمه الضمان و لو قيل بالتسوية في الضمان كان حسناً لأنه سبب الإتيان ظاهراً قال الشيخ و الدية على العاقلة و فيه إشكال من حيث قصد الصائح إلى الإحافة فهو عمد الخطأ و كذا البحث لو شهر سيفه في وجه إنسان.

۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۸۲).^۱

البته شیخ طوسی در کتاب **الخلاف**، علی‌رغم پذیرش حقیقت سحر، برخلاف نظر قبلی خود، حتی در صورت اقرار شخصی به کشتن دیگری با سحر، به علت اصاله البرائه و نیز این مطلب که انجام قتل با سحر نیاز به دلیل دارد، قصاص را منتفی دانسته است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، صص ۳۲۱ و ۳۲۷).^۲

آیت‌الله خوئی به‌صراحت، سحر را دارای حقیقت ندانسته‌اند. اما ایشان معتقد است در صورت فوت مجنی‌علیه بر اثر ترس حاصل از سحر، مانند آنکه مجنی‌علیه در اثر سحر، گمان کند شیری به او حمله کرده است، قتل را عمدی و ساحر را قابل قصاص دانسته است (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۸).^۳

صاحب‌جواهر اساساً سحر را موجب قصاص نمی‌داند هرچند متهم، خود، اقرار کند که سحر وی سبب قتل بوده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۳۳).^۴

شهید ثانی هم معتقد است راهی برای دانستن و شناختن و انتساب قتل به ساحر با کمک بینة وجود ندارد؛ چون شاهد نه قصد ساحر را می‌داند و نه تأثیر جادورا می‌بیند (محمدی، ۱۳۶۲، ص ۳۲).

مثلاً اگر ادعا شود عمل یک ساحر در خراب‌شدن خانه بر مجنی‌علیه تأثیر داشته است اولاً: اثبات این رفتار مادی و عینی به ساحر ممکن نخواهد بود. و ثانیاً: حتی برفرض امکان انتساب رفتاری به او، اثبات انتساب ریزش سقف به آن رفتار امکان نخواهد داشت.

۲-۱. قتل با فعل غیرمادی (غیراصابتی) در نظر فقهای اهل سنت

در فقه اهل سنت، تمامی مذاهب، امکان تحقق قتل از طریق وسایل معنوی از قبیل فریاد زدن و

۱. قال الشيخ لا حقيقة للسحر و في الأخبار ما يدل على أن له حقيقة و لعل ما ذكره الشيخ قريب غير أن البناء على الاحتمال الاحتمال أقرب فلو سحره فمات لم يوجب قصاصاً و لا دية على ما ذكره الشيخ و كذا لو أقر أنه قتله بسحره و على ما قلناه من الاحتمال يلزمه الإقرار و في الأخبار يقتل الساحر قال في الخلاف يحمل ذلك على قتله حداً لفساده لا قوداً.

۲. مسألة ۱۴: السحر له حقيقة، ... أن الأصل براءة الذمة و حقن دمه، و من أباحه فعليه الدلالة.

۳. مسألة ۷: ليس للسحر حقيقة موضوعية، بل هو إراءة غيرالواقع بصورة الواقع، و لكنه مع ذلك لو سحر شخصاً بما يترتب عليه الموت غالباً أو كان بقصد القتل، كما لو سحره فترأى له أن الأسد يحمل عليه فمات خوفاً، كان على الساحر القصاص.

۴. فلو سحره فمات لم يوجب قصاصاً و لا دية على ما ذكره الشيخ، و كذا لو أقر أنه قتله بسحره.

ترساندن را پذیرفته‌اند و تنها اختلاف در خصوص نوع قتل است (عوده، [بی‌تا]، ص ۴۸).
 فقهای اربعه اهل سنت اتفاق نظر دارند که ممکن است قتل با یک وسیله معنوی (غیرمادی و غیرفیزیکی) رخ دهد، مانند کسی که شمشیری را به سوی شخصی بکشد و او از ترس بمیرد و یا غفلتاً و با قصد قتل او را صدا بزند و او در اثر همین عمل و از ترس کشته شود؛ یا در اثر وحشت از بلندی سقوط کند و بمیرد؛ یا ماری بر روی کسی بیندازند و در اثر وحشت از مار بمیرد و یا او را از جای بلندی آویزان کنند و پیش از آن که او را با شمشیر بزنند و یا رهایش کنند تا بر زمین بیفتد، از ترس بمیرد.

به نظر مالک در حالات یاد شده، وقتی جانی در ارتکاب فعل عامد بوده و سوءنیت دارد و به قصد بازی و شوخی این اعمال را انجام نداده، قتل عمد و اگر به شوخی و برای سرگرمی انجام داده، قتل خطایی است (همان، ص ۵۰). به نظر احمد بن حنبل و ابوحنیفه چون در حالات مذکور وسیله به کاررفته غالباً کشنده نیست، قتل شبه عمد خواهد بود (همان، ص ۵۱). در مذهب شافعی میان ممیز و غیرممیز مانند کودک و ناقص‌العقل، مجنون و خوابیده و آدم و سواسی و غشی و ترسو و ضعیف تفاوت می‌گذارند و عقیده دارند که اگر مجنی‌علیه ممیز باشد، قتل شبه عمد و اگر غیرممیز باشد، قتل عمد است (همان).

۱-۲-۳. قتل با فعل غیرمادی (غیراصابتی) در حقوق

قانونگذار در هیچ‌یک از مواد قانون مجازات اسلامی از واژه غیرمادی استفاده نکرده است اما بعضی حقوق‌دانان برای افعالی مانند فریادکشیدن بر سر دیگری، کشیدن سلاح، برانگیختن سگ و غیره از واژه «افعال غیرمادی» استفاده کرده‌اند.

در قوانین جزایی از واژه‌های «کار» (ر.ک: بندهای الف، ب، پ ماده ۲۹۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲)، «فعل» (ر.ک: بند پ ماده ۲۹۲) و «رفتار» (ر.ک: بند الف ماده ۲۹۱) استفاده شده است که می‌توان دریافت این اصطلاحات هم افعال مادی و هم افعال غیرمادی را در برمی‌گیرد به دلیل اینکه فعل غیرمادی می‌تواند عمل کشنده باشد.

مقنن در برخی مواد قانون مجازات اسلامی، برخی افعال غیرمادی را به‌طور خاص برای تحقق قتل کافی می‌داند؛ مثلاً ماده ۵۰۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد:

هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار

دیگری که موجب هراس او می‌گردد مانند فریادکشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد، حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات، به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.

باتوجه به اینکه رکن قانونی افعال مادی و غیرمادی، اطلاق واژه «کار» و «رفتار» در ماده ۲۹۰ و مواد دیگر است و آن چه در ماده ۵۰۱ آمده است، حصری نیست، نباید اعمال غیرمادی به موارد «هراس و وحشت» منحصر گردد؛

زیرا از عبارت «... یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد مانند ...» ماده ۵۰۱ به راحتی می‌توان به این مطلب پی برد، بنابراین افعال مشابه نیز در صورتی که موجب جنایت شوند، بر اساس ماده فوق قابل مجازات خواهند بود.

اما نکته قابل ذکر این است که هر چند قانونگذار در این ماده به صورت تمثیلی نمونه‌هایی را ارائه داده است اما در خصوص دامنه شمول این ماده بر مصادیق دیگر اختلافاتی بین حقوق دانان وجود دارد بدین گونه که عده‌ای معتقدند باتوجه به پذیرش امکان تحقق قتل در نتیجه هراس و وحشت در این ماده، می‌توان گفت دلیلی برای محدود کردن اعمال غیرمادی به موارد هراس و رعب وجود ندارد و دایره آن را وسعت بخشیده‌اند به طوری که عقیده دارند:

این اعمال می‌تواند شامل موارد ایجاد شوق، هیجان، اضطراب و نظایر آن هم بشود؛ مثل اینکه کسی به قصد صدمه زدن به قلب یک بیمار قلبی، یا باعث مرگ وی شدن، خبر دروغ برنده شدن وی را در یک مسابقه بخت‌آزمایی بزرگ به وی بدهد، یا به دروغ وی را از بازگشت تنها فرزند او که سال‌ها مفقود الاثر بوده است، مطلع نماید (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۶۴).

ایشان باور دارند که افعال غیرمادی، در بیشتر موارد، فعل مادی به شمار می‌روند؛ زیرا:

لخته شدن خون در مغز، در نتیجه هیجان آنی، درست مثل شکستگی گردن، یک صدمه واقعی محسوب می‌شود، و در نتیجه مرگ ناشی از آن را هم می‌توان قتل محسوب کرد (همان).

نظر نگارنده در این خصوص این است که: توسیع دایره مفاهیم رعب و هراس به «هیجان» خالی از اشکال نمی‌تواند باشد زیرا واژه «هیجان» معانی مختلفی دارد و از لحاظ میزان خوشایندی یا ناخوشایندی به دودسته تقسیم می‌شوند: هیجان‌ات مثبت و منفی، که کارکرد خاصی برای هر یک وجود دارد.

تعدادی معتقدند که فعل غیرمادی نمی‌تواند عمل‌کننده تلقی گردد، جز در مواردی که قانونگذار تصریح کرده باشد و مقصود از «کار» در قانون، را «فعل مادی» می‌دانند و به فعل

غیرمادی «کار» گفته نمی‌شود.

دکتر سپهوند یکی از قائلین این نظر، با طرح این سؤال که چنانچه شخصی عالماً و عامداً خبر ناگواری خواه واقعی یا غیرواقعی همانند فوت بستگان نزدیک یا از بین رفتن اموال را به وسیله نامه، تلفن، فاکس یا اینترنت به دیگری اطلاع دهد و سبب مرگ او گردد، آیا می‌توان با توجه به ماده ۳۲۵ [قانون مجازات ۱۳۷۰ و ماده ۵۰۱ قانون مجازات ۱۳۹۲] او را به اتهام قتل عمدی تحت تعقیب قرارداد؟ (سپهوند، ۱۳۸۶، ص ۴۲) این‌گونه پاسخ گفته‌اند:

ممکن است گفته شود قانونگذار در ماده ۳۲۵ [قانون مجازات ۱۳۷۰] با ذکر عبارت «هر کار دیگری»، اعمال ارتكابی مندرج در ماده مذکور را تمثیلی دانسته است...، اما با عنایت به مفاد و مفهوم ماده مذکور و خصوصاً اصول حاکم بر تفسیر قوانین کیفری، چنین نظریه‌ای فاقد استحکام و مبنای حقوقی است... هر چند که موارد مندرج در ماده به قید حصر نیستند، اما مصادیق مورد نظر باید از نوع سلاح کشیدن، حیوانی را تحریک کردن، فریاد کشیدن و ایجاد انفجار صوتی باشد و صرف انجام هر کاری را نمی‌توان مشمول ماده مذکور دانست. از سوی دیگر با عنایت به مصادیق ذکر شده برای تحقق جرم، حضور «فیزیکی» قاتل و مقتول لازم است؛ زیرا مثلاً امکان اینکه کسی بتواند از خرم‌آباد بر روی شخصی که در دزفول زندگی می‌کند، اقدام به کشیدن سلاح نماید... وجود ندارد (همان، ص ۴۳).

در نتیجه ایشان معتقد است:

بدین لحاظ که میان چنین اعمالی با مصادیق ذکر شده رابطه و سنخیتی وجود ندارد و اینکه حضور فیزیکی قاتل و مقتول نیز در محل حادثه شرط تحقق چنین قتل‌هایی است، اعمال مذکور از شمول مقررات ماده ۳۲۵ خارج می‌باشد (همان).

حقوق دان دیگری که ظاهراً فقط ماده ۵۰۱ را مصداق افعال غیرمادی می‌داند و ماده ۲۹۰ و

مواد دیگر را منصرف از این‌گونه افعال می‌داند، معتقد است:

... از نظر مقنن، استناد به این ماده معلق به وقوع هراس یا رعب است و لاغیر؛ لذا تنش، استرس، خشم، هیجان یا شادی که در اثر یک اقدام غیراصابتی واقع می‌گردد، حتی در صورت وقوع مرگ یا صدمه و به فرض احراز رابطه سببیت، مادامی که مصداقی از هراس و رعب نباشند، مشمول این ماده نخواهد بود.

و بلافاصله اضافه می‌کند:

البته این بدان معنا نیست که نمی‌توان مورد اخیر را موجبی برای انتساب جنایت دانست... همچنین محبوس کردن دیگری در اتاق و پنخش صدای بسیار بلند، حتی به صورت موسیقی،

می‌تواند موجب مرگ شود. فقدان هراس و رعب مانع انتساب نتیجه به مرتکب نیست (آقایی نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۶-۴۷).

در جواب، گفته شده: اولاً: طبق ماده ۵۰۱ ق.م.ا. یک عمل غیرمادی که باعث وحشت و هراس مقتول می‌گردد و در نهایت موجب مرگ او می‌شود قتل عمد محسوب می‌شود (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸) ماده ۵۰۱ در این مورد مقرر می‌دارد:

هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد مانند فریادکشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.

ثانیاً: اگر نتوان فعل غیرمادی را عمل‌کننده تلقی کرد، نمی‌توان برای آن استثنای قائل شد و در برخی موارد آن را عمل‌کننده تلقی کرد؛ به عبارت دیگر اگر به لحاظ فلسفی، فعل غیرمادی نتواند عمل‌کننده تلقی گردد و باعث سلب حیات شود، تفاوتی میان ترساندن و افعال دیگر غیرمادی نیست و در یک جمله، یا فعل غیرمادی را فارغ از مصادیقش می‌توان عمل‌کننده به شمار آورد یا به هیچ‌عنوان نمی‌توان آن را عمل‌کننده محسوب کرد (همان، ص ۱۲۳).

از نظر نگارنده:

اولاً: باید میان مصادیق و موضوع مطروحه «سنخیت» وجود داشته باشد و فعل ارتكابی حتماً بایستی از انواع افعالی باشد که در شخص رعب و هراس ایجاد می‌کند.

ثانیاً: طبق ماده ۵۰۱ ق.م.ا. در افعال غیراصابتی برخورد با تمامیت جسمانی مطرح نیست و اگر در اثر انفجار بمب صوتی، صدمه‌ای به اعضای بدن برسد، از مصادیق فعل اصابتی محسوب می‌شود. زیرا ماده فوق ظاهراً با هدف رفع شک و ابهام در مجرم شناختن مرتکبین جنایت با رفتارهای غیراصابتی وضع شده است.

ثالثاً: رفتارهای غیراصابتی می‌توانند منجر به آسیب‌های مادی شوند، مانند ترساندن فرد، فرار او و سقوط از ارتفاع و وقوع مرگ ناشی از صدمات بدنی.

افعالی مانند خبر ناگوار دادن، عصبانی کردن بیمار قلبی که منجر به فوت شوند به جهت کشنده بودن به مانند افعال مادی هستند و در نتیجه باید گفت که فعل غیرمادی می‌تواند رفتار مجرمانه جرم قتل را تشکیل دهد، به شرط آن که سبب مرگ باشد و مرگ بدان استناد داده شود؛ به‌طورکلی برای قاتل به‌شماررفتن شخصی دو امر لازم است؛ نخست، اینکه کار او باید سبب مرگ

دیگری باشد؛ دوم، اینکه مرگ مستند به آن کار باشد. به همین دلیل ماده ۴۹۲ مقرر می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله، مستند به رفتار مرتکب باشد؛ اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود».

لازم به ذکر است که در برخی موارد فعلی غیرمادی منتهی به صدمات مادی (ضرب و جرح) می‌شود نظیر آنچه که ماده ۴۹۹ ق.م.ا. مقرر کرده است:

هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است.

برخی حقوق‌دانان، افعال غیرمادی را از مصادیق سبب دانسته‌اند؛ در نتیجه عدوانی بودن آن را لازم می‌دانند و بر این باورند که:

منحصر دانستن فعل موجب جنایت در اعمال مادی بلاوجه بوده، در موارد امکان احراز رابطه استناد، افعال غیرمادی نیز می‌تواند عامل ایجاد جنایت باشد و در این صورت ضمان مرتکب متوقف بر احراز عدوانی بودن فعل اوست؛ زیرا ارتکاب جنایت به وسیله اعمال غیرمادی از مصادیق سببیت قلمداد شده است (صادقی، ۱۳۸۷، ص ۷۲-۷۳).

در نقد این سخن باید گفت که نمی‌توانیم علی‌الاطلاق، همه افعال غیرمادی را از مصادیق تسبیب بدانیم مثلاً اگر روانپزشکی برای رفع ترس دیگری، به اطرافیانش تجویز کند که به او خیر ناگوار بدهند تا شوکی به او وارد شود یا او را ناگهان در خواب بر اثر صدای بسیار بلند بیدار کنند و او بمیرد و روانپزشک هیچ‌گونه تقصیری نداشته باشد، طبق نظر مذکور، ضامن نخواهد بود، در حالی که اگر پزشک، معالجه‌ای مادی بر روی شخص انجام دهد و بدون تقصیر باعث مرگ وی شود، ضامن است. حال سؤال این است که معالجه با فعل مادی و معالجه با فعل غیرمادی فرق دارد؟ مسلماً نباید فرق داشته باشد و در هر دو صورت، پزشک به‌عنوان مباشر ضامن است.

در خصوص سحر و جادو از حقوق‌دانان می‌گوید:

اعمالی مثل سحر و جادو که ادعای تأثیر آن بر اثر عوامل ماوراءالطبیعه می‌شود، هیچگاه نمی‌تواند موجب انتساب مرگ یا ضرب و جرح به دیگری شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۶۵).

زیرا برای تحقق هر قتلی اثبات دو موضوع ضروری است: اول استناد رفتاری مشخص به مرتکب و دوم سببیت این رفتار برای مرگ.

استناد رفتار به مرتکب که در حقیقت احراز جزء اصلی و همیشگی عنصر مادی در تمامی

جرائم است، مستلزم انتساب رفتاری مشخص به اراده مرتکب است که در افعال معنوی مانند سحر و جادو، انتساب رفتار به مرتکب ممکن نیست؛ زیرا رفتار مورد ادعا، معنوی و درونی بوده و در حقیقت بدون نمود بیرونی اراده صورت می‌پذیرد. مسلماً با فقدان انتساب، نمی‌توان فعلی را به مرتکب نسبت داد.

تحقق قتل عمدی با سحر به‌عنوان یکی از مصادیق فعل معنوی، مورد توجه برخی حقوقدانان عرب نیز قرار گرفته و آنها نیز این نوع از افعال را موجب تحقق قتل عمدی ندانسته‌اند (جنیدی، ۱۹۷۶، ص ۶۸۷).

۱-۳. قتل با فعل غیرمادی در فضای مجازی

از جمله مسائل مستحدثه که در حال حاضر می‌تواند حیات اشخاص را سلب نماید قتل در فضای مجازی است. بعضی از هکرها از طریق اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای می‌توانند از امکانات فضای مجازی برای قتل انسان‌ها (بدون به‌کارگیری آلت قتاله) استفاده کنند. قتل در فضای مجازی، یعنی شخصی در محیطی مجازی و غیر ملموس دست به یک سری اقداماتی زند که منجر به سلب حیات کاربران شود. کاربر اینترنتی می‌تواند در فضای مجازی به قصد اخافه در دل مردم رعب و وحشت ایجاد کند. به دو مورد از مصادیق آن اشاره می‌کنیم.

مصدق اول: هک کردن اینترنت بیمارستان و تغییر نسخه‌های الکترونیکی بیماران اشاره نمود که چه‌بسا ممکن است بیماران در اثر تغییر نسخه و مصرف داروهای اشتباه، جان خود را از دست دهند.

مصدق دوم: ممکن است شخصی تصویر ترسناکی را به صندوق الکترونیکی شخصی بفرستد و شخص مقابل نیز از آنجاکه در حالت جسمی و روحی روانی مناسبی نیست، به محض بازکردن این تصویر از ایمیل خود، در اثر ترس جان خود را از دست دهد (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

با عنایت به اینکه موارد احصا شده در ماده ۴۹۹ ق.م.ا. از باب تمثیل بوده، مصداق‌های ذکر شده در راستای تطبیق ارتکاب قتل از طریق فضای مجازی با قتل با فعل غیرمادی است و باید گفت که هر چند ارتکاب قتل از طریق فضای مجازی پذیرفته شده است اما برای تطبیق هریک از اقسام سه‌گانه قتل بر مورد مجازی و سایبری نیازمند رجوع به کارشناسان و اهل خبره جرایم سایبری

و در عین حال آگاه به احکام قضایی و حقوقی و کمک از پلیس فتا (پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ایران) دارد.

۱-۴. بررسی رابطه علیت در افعال غیرمادی (غیراصابتی)

در افعال مادی، هم احراز علیت و سببیت و هم احراز استناد به راحتی صورت می‌گیرد؛ مثلاً به راحتی می‌توان گفت چاقوی وارد بر قلب دیگری سبب مرگ او شد و جراح، قاتل است؛ یعنی جراح با پاره کردن قلب دیگری، او را کُشت، ولی در افعال غیرمادی، احراز علیت و سببیت در مواردی سخت است؛ و علاوه بر این به فرض که علیت و سببیت میان فعل غیرمادی و مرگ احراز شود، احراز استناد مشکل است؛ به خصوص در جایی که مرتکب فعل غیرمادی، هیچ‌گونه قصد ایراد صدمه‌ای نداشته باشد؛ مثلاً اگر کسی اتومبیل یا اسب دیگری را بدزدد و صاحب آن پس از اطلاع از قضیه بر اثر ناراحتی ناشی از سرقت مالش، از غصه بمیرد یا اگر کسی جوانی را بکُشد و مادرش پس از اطلاع، از غم فراق جوانش بمیرد، نمی‌توان سارق را قاتل به شمار آورد و قاتل جوان را قاتل مادر نیز دانست، گر چه بی شک ربایش اسب، اتومبیل و قتل فرزند، سبب مرگ دیگری شده است، ولی قتل به مجرم مستند نیست (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷).

اگر کسی از علاقه مفراط صاحب حیوانی به حیوانش خبر داشته باشد و به قصد قتل او یا با احتمال مرگ او، حیوان را بدزدد و صاحب حیوان پس از اطلاع، بمیرد، مجرم علاوه بر سرقت، مرتکب قتل نیز شده است. همچنین اگر کسی از علاقه افراط گونه صاحب این حیوان خبر داشته است و به قصد قتل او خبر راست یا دروغی را مبنی بر سرقت رفتن حیوان به او بدهد و صاحب حیوان بمیرد، خبردهنده که مرتکب فعل غیرمادی شده است، قاتل به شمار می‌رود.

دقت در ماده ۵۰۱ ق.م.ا. نشان می‌دهد قانونگذار با ذکر عبارت «و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد» لزوم رابطه استناد را لازم دانسته و بدیهی است این رابطه باید به صورت قطعی و علمی احراز شود.

اما آنچه اعمال ماده ۵۰۱ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی را با مشکل مواجه می‌کند، بحث اثبات رابطه علیت است؛ اثبات اینکه ترساندن یا هر کار غیراصابتی دیگر (به دلیل نداشتن اثر فیزیکی و خارجی)، موجب فعل و انفعالات درونی و صدمه معنوی شده است، از موارد مشکل و قابل تأمل است. وجود اختلاف نظر بین حقوق دانان (اعم از داخلی و خارجی) و فقها در احراز

انتساب قتل با افعال غیرمادی مؤید مشکل بودن احراز رابطه علیت است. به نظر می‌رسد تمامی نظراتی که صدمات معنوی را صالح برای تحقق قتل عمدی نمی‌دانند نه از باب صلاحیت نداشتن واقعی این صدمات، بلکه تنها به این دلیل که صدمات معنوی، بر سیستم روانی و عصبی قربانی تأثیر می‌گذارد اثبات علمی بین رفتار مرتکب و صدمه حاصله مشکل بوده و قطعی نیست و در هر حال اگر پزشکی قانونی نتواند به صورت قطعی رابطه استناد بین افعال غیرمادی و مرگ مجنی علیه را ثابت کند، به هیچ رو نمی‌توان قتل را محقق و قاتل را سزاوار مجازات آن دانست.

۱-۵. بررسی تطبیقی فعل غیرمادی (غیراصابتی)

در قانون مجازات مصر و فرانسه نصی که وقوع قتل با وسیله غیرمادی را ممکن نداند، نیامده است. ولی تمام حقوقدانان فرانسوی و پیروان مصری آنان، قتل با وسیله غیرفیزیکی را مجازات شدنی نمی‌دانند؛ زیرا به نظر آنان، محقق نیست که حالات و عوامل نفسانی که منجر به فوت مجنی علیه می‌گردد، از عمل جانی نشئت گرفته باشد. اما به اعتقاد عبدالقادر عوده، این نظر قابل انتقاد است؛ چرا که با پیشرفت دانش بشری، اولاً: ممکن است به صورت علمی و دقیق ثابت کرد عوامل نفسانی که باعث مرگ مجنی علیه گردیده‌اند از عمل جانی سرچشمه گرفته‌اند؛ ثانیاً: اگر جانی از مجازات مصون بماند، ستم بزرگی بر مجنی علیه خواهد بود (عوده، [بی تا]، ج ۲، ص ۵۱).

در حقوق فرانسه دیدگاه غالب این است که قتل با وسایلی که صرفاً بر روان انسان اثر می‌گذارند، قابل تحقق نیست. دلیل حقوقدانان یاد شده این است که اولاً: عبارات قانون مجازات‌های فرانسه به گونه‌ای است که نشان می‌دهد تحقق قتل، مستلزم عملی با اثر مادی بر روی جسم قربانی است؛ ثانیاً: اثبات رابطه علیت و سببیت میان مرگ و رفتاری که اثری روانی دارد، امر دشواری است؛ چگونه می‌توان از طریق کارشناسی پزشکی به طور قطعی اعلام کرد که اثر روانی ناشی از رفتار متهم موجب اختلال در عملکرد اعضای جسم مجنی علیه و در نتیجه، مرگ وی گردیده است (قپانچی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵).

در حقوق مصر نیز شمار اندکی از حقوقدانان همین دیدگاه را دارند؛ با این استدلال که اولاً: اثبات رابطه سببیت میان مرگ و چنین رفتاری دشوار است؛ ثانیاً: احراز و اثبات وجود قصد قتل در ارتکاب این گونه رفتارها نیز امری مشکل است (عوض محمد، ۱۴۰۴، ص ۱۷).

۲. ترک فعل

ترک فعل ناظر به خودداری از انجام فعلی است که شخص مکلف به انجام آن بوده و در صورتی مجرمانه محسوب می‌شود که تکلیفی مبتنی بر قانون، قرارداد، یا پذیرش مسئولیت و امثال آن برعهده‌ی فرد باشد.

باتوجه به مصادیقی که قانونگذار در ماده ۵۰۱ ق.م.ا. مطرح کرده باید گفت که افعال ارتكابی در این موارد تنها به صورت مثبت واقع می‌شوند و ترک فعل نمی‌تواند به عنوان عنصر مادی قتل با افعال غیرمادی مطرح باشد. به دلیل اینکه مصادیق ماده ۵۰۱ ق.م.ا.، تماماً حاکی از آن است که فعل ارتكابی در این موارد باید به صورت فعل مثبت واقع شوند مانند گرفتن اسلحه به سمت دیگری، فریادکشیدن بر سر دیگری، برانگیختن سگ به طرف کسی و... و علاوه بر این قانونگذار در این ماده از عبارت: «.. یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد...» استفاده نموده که حاکی از این است که در این موارد ترک فعل نمی‌تواند به عنوان عنصر مادی جرم قتل با افعال غیرمادی مطرح باشد حتی اگر قائل بر این باشیم که استفاده مقنن از اصطلاح «... یا هرکار دیگری...» را باید حمل بر معانی عرفیه کرد بازهم نمی‌توان موردی از ارتكاب قتل با افعال غیرمادی را متصور شد که با ترک فعل سبب سلب حیات شود. البته حقوقدانانی همچون دکتر میرمحمد صادقی، مثال‌هایی را در خصوص قتل با افعال غیرمادی بیان کرده‌اند که در بعضی از این مثال‌ها عنصر مادی جرم قتل با افعال غیرمادی به صورت ترک فعل واقع شده که در واقع به نوعی نشانگر پذیرش تحقق قتل با افعال غیرمادی به صورت ترک فعل می‌باشد. مانند اینکه، هرگاه فرزندی با نامهربانی و ناسپاسی خود موجب دل‌شکستگی پدر یا مادر شدیداً عاطفی و حساس خود و در نتیجه، مرگ آنها شود (به ویژه اگر این امر در نتیجه ترک فعل، مثلاً بی‌توجهی و سرزدن به آنها، حاصل شود) و با اینکه، کسی که با ترک همسر خویش موجب مرگ او در نتیجه ناراحتی مفرط (و شاید هم ذوقزدگی بیش از حد) شود. هرچند ایشان امکان اثبات رابطه علیت را در این موارد بسیار مشکل و حتی غیرممکن دانسته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۶۵) ولی به نظر می‌رسد همان عقیده اول مبنی بر عدم امکان تحقق ترک فعل به عنوان عنصر مادی جرم قتل با افعال غیرمادی بنا بر دلایلی که ذکر شد، درست‌تر باشد.

نتیجه

یکی از افعالی که طبق قانون، صلاحیت انتساب قتل به خود را داشته فعل غیرمادی (غیراصابتی) می‌باشد.

هم فقها و هم قانونگذار جزایی (در مواد ۴۹۹ و ۵۰۱ ق.م.ا. قتل با افعال غیرمادی (غیراصابتی) همچون فریاد کشیدن، ترساندن، برانگیختن حیوان در صورتی که فرد در اثر ارعاب ناشی از آن بمیرد (در صورت وجود رابطه علیت بین افعال ارتكابی و قتل)، مرتکب را مستوجب مجازات می‌دانند. نحوه ارتكاب افعال غیرمادی باید به صورتی باشد که بروز و ظهور خارجی داشته و با فعل مثبت محقق شوند.

برخورد یا عدم برخورد و نیز نوع صدمه‌ی وارده، ارتباطی به نوع فعل ندارد و در تقسیم‌بندی نوع فعل باید ماهیت فعل در نظر گرفته شود. زیرا برخی از افعال مادی با اصابت به جسم مجنی علیه و برخی بدون اصابت به آن منجر به فوت مجنی علیه می‌شوند در برخی موارد فعل غیرمادی منجر به صدمه مادی (مانند ترساندن دیگری و زمین خوردن وی و وقوع مرگ) و گاهی اوقات منجر به صدمه معنوی (مانند ترساندن دیگری و سکتته کردن او از ترس و مرگ مجنی علیه) می‌گردد.

باتوجه به عبارت «... یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد...» در ماده ۵۰۱ ق.م.ا. در ارتكاب قتل با فعل غیرمادی، فعل جانی، بایستی از سنخ افعال رعب‌انگیز و هراس آور باشد و مصداقی از رعب و هراس باشند.

فعل غیرمادی همانند فعل مادی در صورتی می‌تواند عمل‌کننده تلقی گردد که صلاحیت ذاتی برای سلب حیات داشته باشد و اعمالی مانند «نفرین کردن»، «چشم‌زخم‌زدن» و «توسل به ختم و جادو» را نمی‌توان عمل‌کننده به شمار آورد؛ زیرا احراز رابطه علیت و سببیت امری غیرممکن خواهد بود.

هکرها می‌توانند با استفاده از فضای مجازی مانند اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای به صورت غیرمادی باعث سلب حیات از انسان شوند.

منابع

۱. آزمايش، سيدعلی؛ جزوه تقريرات حقوق كيفرى دوره كارشناسى ارشد؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۲. آقايى نيا، حسين؛ جرايم عليه اشخاص (جنایات)؛ چ ۱۶، تهران: نشر ميزان، ۱۳۹۶.
۳. ايزدى فرد، على اكبر و سيدمجتبى حسين نژاد؛ «بررسى فقهى قتل در فضاى مجازى»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامى؛ ش ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۷-۳۴.
۴. پاد، ابراهيم؛ حقوق كيفرى اختصاصى (جرايم نسبت به اشخاص)؛ تهران: انتشارات دانشور، ۱۳۸۵.
۵. پوربافرانى، حسن؛ حقوق جزاى اختصاصى (جرايم عليه اشخاص)؛ تهران: انتشارات جنگل - جاودانه، ۱۳۸۸.
۶. جبعى عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين؛ الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (كتاب القصاص)؛ ترجمه حميد مسجدرائى؛ ج ۱۰، قم: انتشارات حقوق اسلامى، ۱۳۸۷.
۷. جبعى عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين؛ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ ج ۱۵، قم: مؤسسة المعارف الإسلاميه، ۱۴۱۳ق.
۸. جندى، عبد الملك بك؛ الموسوعة الجنائية؛ ج ۵، چ ۲، بيروت: دارالعلم للجميع، ۱۹۷۶م.
۹. حاجى ده‌آبادى، احمد؛ جرايم عليه اشخاص (قتل)؛ تهران: نشر ميزان، ۱۳۹۶.
۱۰. حسيني عاملى، سيدجوادبن محمد؛ مفتاح الكرامة فى شرح قواعد العلامة؛ ج ۱۰، بيروت: دار إحياء التراث العربى، [بى تا].
۱۱. حلى (محقق حلى)، ابوالقاسم نجم الدين؛ شرائع الإسلام؛ ج ۴، چ ۳، قم: مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، ۱۴۰۹ق.
۱۲. خمينى، سيدروح الله؛ تحرير الوسيلىه؛ ترجمه على اسلامى؛ ج ۴، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامى، [بى تا].
۱۳. خويى، سيدابوالقاسم؛ مباني تكملة المنهاج؛ ج ۲، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئى (ره)، ۱۴۲۲ق.

۱۴. سپهوند، امیرخان؛ حقوق کیفری اختصاصی ۱ (جرایم علیه اشخاص)؛ تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
۱۵. صادقی، محمدهادی؛ حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)؛ چ ۱۵، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن؛ الخلاف؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ق.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیة (دیات)؛ ج ۷، چ ۳، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ق.
۱۸. عوده، عبدالقادر؛ التشريع الجنایی الإسلامي مقارناً بالقانون الوضعی؛ ج ۲، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۱۹. عوض محمد، عوض؛ قانون العقوبات (القسم العام)؛ قاهره: دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۸۰م.
۲۰. فاضل هندی، محمدبن حسن؛ كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام؛ ج ۱۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۶ق.
۲۱. قپانچی، حسام؛ «بررسی تطبیقی عنصر "فعل" در قتل عمدی»، نشریه دانشکده الهیات مشهد؛ ش ۵۷، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۰۵-۱۲۴.
۲۲. گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی)؛ چ ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۲۳. محمدی، ابوالحسن؛ حقوق کیفری اسلام - قصاص؛ چ ۲، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۲۴. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص (حقوق کیفری اختصاصی)؛ چ ۱۷، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
۲۵. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۴۳، چ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۲۶. نجیب حسنی، محمود؛ شرح قانون العقوبات اللبناني (القسم العام)؛ بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۴۰۴ق.